

۴- میرزا جواد خان سعدالدوله فرزند میرزا جبار ناظم‌المهام از اهالی خوی بود. سعدالدوله در ۱۱ صفر سال ۱۲۵۷ ق درخوی متولد شد و در ۱۲۸۵ ق باتفاق پدر بتهران آمد و وارد خدمت وزارت خارجه شد و در ۱۲۹۱ بعنوان مترجم باتفاق هیئتی به قفقاز رفت و بعد بایران بازگشت و مشاغل مختلف را بدست آورد و در ۱۳۱۲ ق به سمت وزیر مختار ایران به بروکسل رفت و سپس به وزارت تجارت رسید. در دوره اول مجلس نماینده تهران شد و ابوالمله لقب یافت و در تدوین قانون اساسی شرکت داشت. در دوکابینه مشیرالدوله سمت وزارت خارجه را بدست آورد و در ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۷ به کفالت نخست‌وزیری رسید و در ۱۴ رجب ۱۳۴۸ قمری (آذر ۱۳۰۸) در تهران در گذشت.

۵- محمد علی‌شاه پسر ارشد مظفرالدین‌شاه قاجار است. مادرش تاج‌الملوک ملقب به ام‌الخاقان دختر بزرگ میرزاتقی‌خان امیرکبیر بوده است. وی در سال ۱۲۸۹ هجری قمری در زمان ولایت‌عهدی پدرش به تبریز در آن شهر متولد شد و در سال ۱۲۹۹ لقب اعتضاد السلطنه گرفت. در سال ۱۳۲۳ قمری که مظفرالدین شاه برای بار سوم به اروپا رفت محمد علی‌شاه به تهران فرا خوانده شد و به نیابت سلطنت برقرار گردید و بعد از مرگ پدر (۲۴ ذیقعد ۱۳۲۴) بجای او سلطنت رسید و در ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ (۲ تیر ۱۲۸۷) مجلس را به توپ بست و جمعی از آزادیخواهان را به قتل رسانید و به کندوبند کشید و روز ۲۸ جمادی‌الاولی ۱۳۲۷ (۲۸ تیر ۱۲۸۸) به سفارت روس در زرگنده پناه برد و از سلطنت خلع گردید و احمد میرزا فرزندش که ۱۲ یا ۱۳ ساله بود بجای او سلطنت برگزیده شد. محمد علی‌شاه در ۲۳ شعبان ۱۳۲۷ ایران را ترک گفت و در سال ۱۳۲۹ قمری مجدداً به ایران بازگشت و قصد داشت یکمک یاران خود دوباره به سلطنت برسد ولی موفق نشد. محمد علی‌شاه در ۱۱ رمضان ۱۳۴۳ (فروردین ۱۳۰۴) در سن ۵۴ سالگی در بندر ساونا (ایتالیا) در گذشت و جسد او را به کربلا بردند و بخاک سپردند.

پس از اینکه محمد علی شاه به سفارت روس پناهنده شد احمد میرزا سردوم اوبه سلطنت رسید و ابتدا اعضاء الملک و بعد از درگذشت او ناصر الملک به نیابت سلطنت برگزیده شدند زیرا احمد میرزا در ابتدای سلطنت ۱۲ سال داشت. (متولد ۱۳۲۴ هجری قمری بود). احمد شاه در سال ۱۳۳۴ هجری قمری زمام امور را در دست گرفت و دو زاده سال پادشاهی کرد و در ربیع الثانی سال ۱۳۴۴ از سلطنت خلع گردید (۹ آبان ۱۳۰۴) و با خلع اوبه سلطنت یکصد و پنجاه ساله قاجاریه خاتمه داده شد. احمد شاه در هنگام خلع از سلطنت در پاریس بود و تا پایان عمر در آن شهر بسربرد و در ۲۶ رمضان ۱۳۴۸ (۱۳۰۸) در سن سی و چهار سالگی در بیمارستان نویی پاریس در گذشت و جسد او را به کربلا بردند و در حرم حضرت امام حسین بخاک سپردند.

۶- منظور میرزا احمد خان علاءالدوله پسر میرزا رحیم خان علاءالدوله (امیر نظام سابق) میباشد.

۷- در ایامی که روحانیون و مشروطه خواهان در حضرت عبدالعظیم متحصن بودند درخواست هائی داشتند که طی نامه برای شاه و نخست‌وزیر میفرستادند. براساس همین تقاضاها عین‌الدوله (صدر اعظم وقت) نامه‌ای بشاه مینویسد و طی آن متذکر میشود: محض سلامت ذات اقدس مبارک قیمت تبر را که برای عامه اسباب ازدیاد دعاگوئی است گذشت فرمایید اگرچه در اینجا ضرری بدولت متوجه است ولی این غلام بیمقدار در صورت قبول عرض آنرا محض اجراء این امیر خیر و دعاگوئی علماء و امیدواری عامه از خود تقدیم میدارد که بدولت هم ضرری متوجه نشود و اسباب مزید دعاگوئی ذات اقدس نیز فراهم آید..."

تقاضای مردم از طرف مظفرالدین شاه پذیرفته میشود و ترک تحصن میگویند و به تهران باز میگردند.

۸- میرزا نصرالله خان نائینی (مصباح الملک - مشیر الملک - مشیرالدوله) فرزند آقا ابوطالب نائینی است. وی عمده خدمات خود را در وزارت خارجه انجام داده و در سال ۱۳۱۷ هجری قمری سمت وزارت خارجه و لقب مشیرالدوله یافته است.

مشیرالدوله قریب هشت سال وزیر خارجه بود (از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۴ ق) و در سال ۱۳۲۴ به صدارت رسید و در اواخر محرم ۱۳۲۵ کناره گرفت و در ۴ شعبان ۱۳۲۵ به کسالت قلبی درگذشت. فرزندان مشیرالدوله عبارت بودند از حسن پیرنیا (مشیرالدوله) حسین پیرنیا (مؤتمن الملک) که به مقام وزارت نخست‌وزیری و ریاست مجلس شورای ملی رسیده‌اند.

۹- مرحوم احتشام السلطنه برای نویسنده شرح آنرا گفته است. مخصوصاً یاد دارم که گفت من به امیر بهادر گفتم شما میخواهید شاه مانند امیر بخارا باشد. ما میخواهیم مانند امیراطور آلمان بشود (اشاره به اینکه دستگاه زیر دست روسها باشد چه امیر بخارا دست نشانده روسها بود). (سیدجلال‌الدین تهرانی)

۱۰- حسین پاشا خان امیر بهادر جنگ از اهالی قراباغ بود و از ابتدای عدم است در دستگاه مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز بود و پس از اینکه مظفرالدین شاه به تهران آمد و به سلطنت رسید امیر بهادر نیز جزء همراهان او بود و در سال ۱۳۲۶ در کابینه مشیر السلطنه وزیر جنگ شد و پس از فتح تهران بدست مشروطه خواهان به همراه محمد علیشاه به سفارت روس در زرگنده پناهنده شد و بعد با محمد علیشاه به اروپا رفت و پس از گرفتن تاملان از دولت بایران بازگشت و در سال ۱۳۳۶ قمری در تهران درگذشت.

۱۱- مرحوم احتشام السلطنه برای نویسنده شرح آنرا گفته است مخصوصاً یاد دارم که گفت من به امیر بهادر گفتم شما میخواهید شاه مانند امیر بخارا باشد ما میخواهیم مانند

امیراطور آلمان بشود (اشاره باینکه دستگاه زبردست روسها باشد . چه امیربخارا دست نشانده روسها بود . سید جلال الدین تهرانی .

۱۲- مقصود از حاجب الدوله اخیر که از درباریان مظفرالدین شاه بود و نابرداری محمد ولیخان آصف السلطنه دولو است . این حاجب الدوله قاجار دولو داماد شاهزاده نیرالدوله است و مدفون در عمارت مقبره ۶ مستوفی الممالک در ونک است .

( سید جلال الدین تهرانی )

۱۳- نامه طباطبائی به عین الدوله : " کو آنهمه راز و عهد و پیمان " مسلم است از خرابی این مملکت و استیصال این مردم و خطراتی که این صفحه را احاطه نموده است خوب مطلعید و هم بدیهی است و میداند اصلاح تمام اینها منحصر است به تاسیس مجلس و اتحاد دولت و ملت و رجال دولت با علماء عجب در اینستکه مرض را شناخته و طریق علاج هم معلوم و اقدام نمیفرمایند . این اصلاحات عما قریب واقع خواهد شد لیکن ما میخواهیم بدست پادشاه و اتابک خودمان باشد نه بدست روس و انگلیس و عثمانی ما نمیخواهیم در صفحات تاریخ بنویسند دولت به مظفرالدین شاه منقرض و ایران در عهد آن پادشاه بر باد رفته . . . خطر نزدیک و وقت مضیق و حال این مریض مشرف به موت است احتمال برء ضعیف . در علاج چنین مرض آیا مسامحه رواست و یا علاج را بتأخیر انداختن سزاوار است ؟ . بخداوند متعال و به جمیع انبیاء و اولیاء قسم باندکی مسامحه و تأخیر ایران می رود . من اگر جسارت کرده و بکنم معذورم زیرا که ایران وطن من است . اعتبارات من در این مملکت است . خدمت من به اسلام در این محل است . عزت من تمام بسته باین دولت است . می بینم این مملکت بدست اجانب میافتد و تمام شئون و اعتبارات . پس تا نفس دارم در نگهداری این مملکت میکوشم بلکه هنگام لزوم جان را در راه این کار خواهم گذاشت . . . امروز باید اغراض شخصیه را کنار گذارده محض خدا جان نثاری کرد اینکار چراباسم فلان و فلان انجام گیرد . وقت تنگ و مطلب مهم است و وقت این خیالات نیست . من حاضر در این راه از همه چیز بگذرم . شان و اعتبار را کنار گذارده انجام این کار را اگر موقوف باشد باینکه در دولت منزل حضرت والا کفش برداری و در بانی کم حاضر ( برای ملت و رفع ظلم ) حضرت والا را بخدا و رسول . . . قسم میدهم بریزید آنچه در دامانست . این مملکت و این مردم را اسیر روس و انگلیس و عثمانی نفرمایید . عهد چه شد ، قرآن چه ، عهد ما برای اینکار یعنی تاسیس مجلس بود و ما به الاشتراک نداشتیم . مختصراً " اقدام در این کار فرمودید ما هم حاضر و همراهیم . اقدام نفرمودید یکنه اقدام خواهم کرد . یا انجام مقصود یا مردن . پرواندارم زیرا اول از جان گذشتم

بعد اقدام نمودم . چیزی از عمر من باقی نمانده و از چیزی محظوظ نمیشوم . پس حطم اقدام باینکار و منتها آلام انجام این کار است . یا جان دادن در این راه که ماهه آموزش و افتخار خودم و اخلافم است . اینکار را بکنم و اسمی برای خود در صفحه روزگار باقی بگذارم . این کار اگر صورت نگیرد بر ما لعن خواهند کرد چنانکه ما به اسلافمان خوب نمیگوئیم . باز عاجزانه التماس میکنم هرچه زودتر این کار را انجام دهید . تأخیر این کار ولو یک روز هم باشد اثر سم قاتل را دارد فعلا" دفع شر عثمانی نمیشود مگر باین مجلس و اتحاد ملت و دولت و رجال دولت و علماء نتایج حسنه دیگر محتاج به بیان است فعلا" بیش از این مصدغ نمیشوم والسلام ."

۱۴ - کامران میرزا پسر سوم ناصرالدینشاه بود . وی در سال ۱۲۷۲ قمری متولد شده و در شش سالگی بمعاونت حاکم تهران رسیده است . کامران میرزا در طی دوران خدمت خود مشاغل مهمی از جمله وزارت دارائی ، وزارت جنگ را به عهده داشته و لقب امیر کبیر یافته است کامران میرزا سالیان متعددی سمت نایب السلطنه ناصرالدین شاه را داشت . در زمان مظفرالدین شاه کار عمده‌ای باو رجوع نشد و پس از استقرار مشروطیت در اولین کابینه وزیر جنگ شد و در زمان احمدشاه نیز مدت کوتاهی حاکم خراسان بود و از آن پس تا آخر عمر بیکار بود . کامران میرزا در سن ۷۵ سالگی در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در تهران درگذشت

و در مقبره ناصرالدینشاه در حضرت عبدالعظیم بخاک سپرده شد .

۱۵ - سید محمد طباطبائی زعیم مشروطیت ایران فرزند سید صادق طباطبائی بسال ۱۳۵۸ هجری قمری در تهران متولد شده است . وی باتفاق سید عبدالله بهبهانی در راه وصول مشروطیت جانباز بهار گردید و مرارتهاکشیدند و بذر مشروطه را در دل ایرانیان پاک سرشت افشاندند و با خون رادمردان آنرا بیاری کردند . سید محمد طباطبائی طبق نوشته های خودش در سال ۱۲۹۹ قمری عازم مکه شده و پس از بازگشت از خانه خدابه سامره رفته و مدت دوازده سال در آنجا بتحصیل علوم قدیمه پرداخته و از محضر میرزای شیرازی استفاده و استفاضه کرده است در سال ۱۳۱۲ قمری بایران بازگشته و از همان اوان بفکر مشروطه بوده و در منبر از این مقوله صحبت نمیکرده است . مجاهدات سید طباطبائی و سایر روحانیون ایران و عراق موجب گردید تا مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت را امضاء کند لیکن چندی بعد محمد علیشاه مجلس را به توپ بست و سید محمد طباطبائی را به مشهد تبعید کرد و سید عبدالله بهبهانی را نیز به کرمانشاه فرستاد . لیکن روحانیون و آزادیخواهان ایران از یای ننشستند و پس از فتح تهران بوسیله قشون بختیاری و یاران سپهدار خلعتبری سیدین سندین نیز به تهران آمدند و به ارشاد مردم پرداختند سید محمد طباطبائی در سال ۱۳۴۰ قمری در سن ۸۲ سالگی بدرود زندگی گفت و در نزدیکی حضرت عبدالعظیم بخاک سپرده شد .

۱۶- قراولخانه، در میدان باغ پسته بیک در محله عودلاجان نزدیک امامزاده یحیی طهران بود که مردم اجماع کردند که مرحوم حاج شیخ محمد را که سربازان در قراولخانه توقیف کرده بودند خارج کنند. در اینمحل تیراندازی شد و پکنفر از طلاب مدرسه حاج ابوالحسن معمارباشی (مدرسه نزدیک میدان باغ پسته بیک است) بنام سید عبدالحمید کشته، عبدالحمید شد مقصود از عبدالحمید شاهزاده، عین الدوله عبدالحمید میرزا است و در دسته عزا که در تشییع سید عبدالحمید راه انداخته بودند دائما خوانده میشد - عبدالحمید کشته، عبدالحمید شد. از یادگارهای میرزاتقی خان امیرکبیریکی ساختن قراولخانه در محلات شهر طهران (قبل از توسعه سال ۱۲۸۵ قمری است. در محله عودلاجان و چالمیدان که نویسنده دیده بودم یک قراولخانه در تکیه ملا قدیر در مرکز سرچمک در عودلاجان در مجاورت مدرسه قنبرعلیخان (این مدرسه و مسجد هنوز برپاست و موقوفاتی دارد و تحت نظارت اوقاف مییاشد) بوده که آنهم خراب شد و زمین آن مانند خرابه مانده بود چون متعلق بدولت بود و حالا خانه شده است. قراولخانه دیگر در محله عودلاجان در نزدیکی امامزاده یحیی در گذر باغ پسته بیک (باغ موقوفه که فعلا دبستان بزرگی گشته) مجاور مدرسه حاج ابوالحسن معمار باشی بود که همان قراولخانه است که در فوق بدان اشاره شده و محل زدو خورد شد و فعلا پس از خرابی جزء میدان باغ پسته بیک است و زمین آن در اختیار شهرداری درآمده است.

(سیدحلال الدین تهرانی)

۱۷- محمدولیخان سپهدار فرزند حبیب الله خان ساعدالدوله تنکابنی روز پنجشنبه نهم ربیع الاول ۱۲۶۴ ق در یکی از روستاهای تنکابن متولد شده است. در دوازده سالگی باتفاق پدر به تهران آمد و در خدمت نظام وارد شد و بدرجات سرهنگی و سرتیپی و لقب سردار اکرمی رسید و حاکم تنکابن شد سپس مامور دفع فتنه استرآباد شد و لقب نصرالسلطنه و سردار معظم و سپهدار اعظم گرفت.

سپهدار در جریان فتح تهران کوششهای فراوان کرد و اولین نخست وزیر بعد از خلع محمدعلیشاه شد (۲۸ شعبان ۱۳۲۷) و این سمت را چندین بار یافت. در ادوار اول و سوم نماینده مجلس بود. سپهدار در سال ۱۳۳۳ در کابینه مستوفی الممالک وزیر جنگ شد و لقب سپهسالار اعظم گرفت و در سال ۱۳۳۴ نیز برای آخرین بار به نخست وزیر رسید در کابینه سید ضیاءالدین (۱۲۹۹) قریب ۲/۵ ماه زندانی بود و در شهریور ۱۳۰۵ در تهران با اسلحه کمری خود را کشت و جنازه اش در امامزاده صالح تجویش بخاک سپرده شد.

۱۸- پس از آنکه مظفردالدین شاه وعده امضای فرمان مشروطیت را بمردم داد و بقول خود عمل نکرد علمای اعلام و جمعی از آزادیخواهان در تاریخ دوشنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۴ بسوی قم حرکت کردند. در این جمع آقایان طباطبائی، بهبهانی، افجهای، شیخ فضل الله، حاج شیخ مرتضی وعدهای دیگر از طلاب و سادات نیز حضور داشتند. این آقایان روز ۲۴ جمادی الثانی از ابن بابویه عازم قم شدند.

چندی پس از ورود آقایان به قم تلگراف زیر از طرف مشیرالدوله صدراعظم به قم مخابره شد:

خدمت زیشرافت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای سید محمد مجتهد سلمه الله - چون استعفای حضرت اشرف شاهزاده عین الدوله اتایک اعظم در خاکپای مبارک همایونی روحنا فداء موقع قبول یافته و حسب الامر اقدس اعلی خدمات مقرر دولتی به ارادتمند محول گردیده است برای جلب تایید است ماموله خود استعمال سلامت حالات خدمت جنابعالی را وسیله سعادت ابدی دانسته و بمراحم فوق العاده ملوکانه امیدوار سازند و امیدوارم مخلص هم این موقع را برای ظهور ارادت قلبی مفتتم شمرده به درک ملاقات موفق و با مژده سلامتی حالات مسرورم فرمائید  
مشیرالدوله .

۱۹- مقارن با ایامی که علما و طلاب و سادات و جمعی دیگر از مردم آزاده وطن به قم مهاجرت کردند در تاریخ سه شنبه ۲۴ جمادی الاولی نیز عدهای از تجار تهران به راهنمایی میرزا محمد اصفهانی به سفارت انگلیس پناهنده شدند و روزهای بعد جمعیت زیاد از گروه - های مختلف مردم به صفوف متحصنین پیوستند بالاخره روز شنبه ۱۳ جمادی الاخر میرزا حسین خان ( پسر مشیرالدوله ) دستخطی از مظفردالدین شاه به سفارت آورد که طی آن بشارت افتتاح مجلس داده شده بود و در نتیجه روز ۱۹ جمادی الاخر اکثر متحصنین از سفارت خارج شدند و دکاکین را باز کردند و مقدمات چراغانی را قراهم آوردند .

۲۰- سید همان مرحوم سید عبدالحمید طلبه مدرسه حاج ابوالحسن است ولی در نزدیک مسجد جمعه کشته نشد بلکه در مقابل سربازخانه مجاور مدرسه حاج ابوالحسن کشته شد. لابد در اینجا نام مسجد جمعه آمده است که تأیید میکند آنچه در بالا ذکر شده است. لابد پس از قتل سید مردم بمسجد جامع رفتند و زد و خورد و تیراندازی آنجا شد و مردمی در آن محل کشته شدند و مرحوم آقا سید عبدالله بهبهانی شجاعتی کرد و بمنبر رفت و سینه خود را باز نمود و سربازان عین الدوله گفت این سینه عبدالله است

بزنید . سربازان تحت تاثیر قرار گرفته از مسجد خارج شدند و نعل مرحوم سید عبدالحمید را مردم که تشییع کرده بودند در ایوان شمالی مسجد جامع گذاردند و مردم بعمل فاتحه تا قبل از دفن رفتند و مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی مؤسس مدرسه ادب (تأسیس سال ۱۳۱۶ قمری) شاگردان مدرسه را به ردیف با تشریفات خاص مانند سایر مدارس ۲۱-۲۲- در تاریخ ۲۳ جمادی الاولی سال ۱۳۲۴ هجری قمری جمع کثیری از روحانیون و طلاب و سادات بصوب قم حرکت کردند و در آن شهر متحصن شدند و از طرف شاه عضدالملک قاجار ماموریت یافت تا موجبات بازگشت علما را به تهران فراهم آورد و در همین زمینه مظفرالدین شاه تلگرافی به قم مخابره کرده که متن آن چنین است:

جنابان شریعتمداران علماء اعلام دارالخلانہ ، چون به اقتضای حسن ظن که همیشه نسبت به عموم علماء اعلام داشته ایم همه وقت آنها را دعاگوی دولت اسلامی و خیرخواه شخص خودمان میدانیم و در این مدت کوتاه که پاره ای حوادث جنابان شمارا از مرکز مهجور ساخته بود این مسافرت و مهاجرت شما را خیلی برخودمان ناگوار میدیدیم و بعلاوه در این اشتدادگرما و عدم اقتضای فصلی بیش از این دوری از مرکز سلطنت مقتضی نبود ، این دستخطرا مزیدبر ابلاغات شفاهیه فرمودیم که همه شماها مراحم قلبیه ملوکانه را بیش از پیش نسبت به خودتان شامل دانید و عرایض خیرخواهانه خودتان را همه وقت در حضور ملوکانه مسموع و مقبول شمارید . مخصوصاً " محض تکمیل مراحم شاهانه نسبت به جناب شما مثل جناب اجل عضدالملک نوکر محترمی را که از اولین رجال محترم دولت و طرف اعلی در جه وثوق و اعتماد خودمان است مامور میفرمائیم که جنابان را بمراحم ما مستظهر داشته فرمایشات ما را حضوراً " ابلاغ و شما را با تجلیل کامل معاودت دهند ، جناب معزی الیه هرچه بگوید عین فرمایشات ما است و هرچه ابلاغ کند در حکم اینست که خودمان شفاهای اظهار فرموده ایم . در اینصورت با ترتیباتی که شروع شده است باید همگی به عوطف شاهانه امیدوار و مطمئن باشید و بدانید هموقت رعایت تکریم و تجلیل علماء اعلام به اعلی درجه در حضور ملوکانه منظور و آنها را خیرخواه حقیقی خودمان دانسته توقیر و احترامات آنها را همیشه واجب میشماریم و یقین داریم جنابان شما هم به اقتضای تکالیف شرعیه خودتان بیش از این طول زمان مسافرت جایز ندانسته هرچه - زودتر به معیت جناب معزی الیه معاودت خواهیدکرد تا ما هم مراحم قلبی خودمان را کاملاً در موقع شرفیابی مشهود و معلوم داریم . هشتم جمادی الاخره فرمان مشروطیت در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ ( ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ قمری برابر با ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی ) که روز تولد مظفرالدین شاه به امضاء رسید .

در این فرمان دستور انتخابات و گشایش مجلس داده شده بود و فرمان دیگری هم که مکمل فرمان اول بود در ۱۶ مرداد صادر شد.

۲۳- چون معروف بود که امیربهادر برای حفظ جان شاه خود را چنان نشان داده بود که همه جا حافظ شاه است حتی در حمام میرفت و شمشیر در خزینه فرو میبرد که حتی جان بنده<sup>۶</sup> مخفی نشده باشد. اینجا هم مرحوم ناصر الملک اشاره میکند که شنوندگان غیر مرئی یعنی مثلا اجنه را هم با افسون دور میکرد. باز تظاهر به نفهمی و خود را گیج و گول نشان دادن امیر بهادر را میرساند.

( سید جلال الدین تهرانی )

۲۴- باید دید در زمان حکومت شعاع السلطنه چه کسی پیشکار او بوده است. بنظر نویسندگان سطور امیر نظام مرحوم حسنعلی خان، گروسی ادیب و نویسنده و خطاط و سیاستمدار معروف نیست. بدو علت یکی آنکه بهیچوجه او پیشکار شعاع السلطنه نبوده است ثانیاً آنکه امیر نظام گروسی در رمضان سال ۱۳۰۷ قمری فوت کرده بوده است. در این صورت باید حاج عبدالله خان قراگوزلو همدانی امیر نظام باشد که میتواند پیشکار شعاع السلطنه در فارس باشد چه بعد از مرحوم حسنعلی خان لقب امیر نظامی به قراگوزلو رسید از اینجهت است که ( صدراعظم تعجب کرد ) صحیح درمیآید . ( سید جلال الدین تهرانی )

۲۵- پس از صدور زمان مشروطه، علما و مردم آن را وافی به مقصود نداشتند و لذا شب ۱۷ جمادی الثانیه (۱۳۲۴) در منزل مشیرالدوله مجلسی مرکب از سران آزادیخواه و قتی چند از رجال دستاندر کار تشکیل گردید و در نتیجه تبادل افکاری که بعمل آمد مکمل فرمان مشروطیت بشرح زیر صادر شد:

جناب اشرف صدراعظم - در تکمیل دستخط سابق خود مان مورخه ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴ که امر فرمان صریحاً " در تاسیس مجلس منتخبین ملت فرموده بودیم مجدداً برای آنکه عموم اهالی و افراد ملت او توجهات کامله همایون، واقف باشند امر مقرر میداریم که مجلس مزبور را بشرح دستخط سابق صریحاً "دایر نموده بعد از انتخاب اخیراً" مجلس فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضای منتخبین بطوری که شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب نمایند که بشرف عرض و امضای همایونی، موشح و مطابق نظامنامه مزبور این مقصود مقدس صورت و انجام پذیرد. مظفرالدین شاه، پس از صدور این دستخط مردم بشادمانی پرداختند و از تحصن در سفارت دست کشیدند و شهر را چراغانی کردند و علماء نیز از قم آمده بازگشت به تهران شدند.



۲۶- انتخابات دوره اول مجلس طبقاتی بود و در ماده اول نظامنامه انتخابات که در تاریخ ۱۹ رجب سال ۱۳۲۴ هجری قمری به توشیح مظفردالدینشاه رسیده چنین قید گردیده است.

ماده اول - انتخابکنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالات و ولایات باید از طبقات ذیل باشند:

شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار و ملاکین، فلاحین و اصناف.

۲۷- مظفردالدینشاه در روز یکشنبه ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری (۱۳ مرداد ۱۲۸۵ شمسی - ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی) فرمان مشروطیت را امضاء کرد و در ۲۷ همین ماه اولین جلسه مجلس (دارالشورای کبرای ملی) در مدرسه عالی نظام بمنظور تهیه مقدمات گشایش مجلس اول تشکیل شد.

اولین جلسه رسمی مجلس در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ در حضور مظفردالدین شاه در عمارت گلستان تشکیل شد و شاه در حالیکه بیمار بود و دوتن زیر بازوی او را گرفته بودند بتالار درآمد و بر تخت نشست و خطابه‌ای را ایراد کرد و قبل از قرائت خطابه اظهار داشت: "سالها در آرزوی چنین روزی بودم و خدا را شکر که به آرزوی خود رسیدم". پس از آن حال رقت و گریه با دست داد.

۲۸- فضا و صحن عمارت و باغ بهارستان را میرزا حسینخان سپهسالار ساخته و پرداخته بود. این محل در ابتدای تشکیل مجلس شورای ملی موقتا "برای جلسات مجلس اختصاص یافت و بعدا" محل دائمی اجلاسات پارلمان شد.

مال المصلحه شرعی باغ بهارستان به ورثه مرحوم سپهسالار بانضمام پانصد تومان رد مظالم و ده تومان حق محرره ۱۵۵۱۰ ریال بوده است و این مبلغ از صندوق جرائم اداره مباشرت (کارپردازی) مجلس پرداخت شده و سند صادر گردیده است.

چند سال بعد قسمتی دیگر از فضای مجلس را نیز بمبلغ دوپست هزار ریال از عزیز السلطان خریداری و ضمیمه کردند و در سالهای اخیر نیز هزاران متر زمین خریداری کرده‌اند تا ضمیمه عمارت بهارستان نمایند.

۲۹- موضوع تاسیس بانک ملی در جلسه پنجشنبه ۲۷ رمضان سال ۱۳۲۴ در مجلس اول و توسط معین‌التجار بوشهری (حاج آقا محمد) مطرح گردید و روز ۱۲ شوال اعلان تاسیس بانک ملی ایران منتشر شد. در این اعلامیه آمده بود: "... اعضاء مجلس شورای ملی چنین صلاح دانسته که بانکی موسوم به بانک ملی تاسیس شود که عموم اهالی ایران در آن

بانک شرکت داشته باشند و هرکس بقدر قوه و همت و وطن پرستی خود وجهی بعنوان سرمایه شراکتی در این بانک بگذارد و قبض و سهام دریافت دارد که بانک با این سرمایه دادوستد نماید . . . .

بعضی از موءسسین بانک این افراد بوده اند: کامران میرزا نایب السلطنه، مشیرالدوله صدراعظم، مشیرالملک، سعدالدوله، موءتمن الملک، وزیرافخم، ناصرالسلطنه، وزیربقایا، شیخ خزعل شیخ حاسب، حاج معینالتجار، حاج امین الضرب، حاج محمدحسین کازرونی، فخرالملک، سعیدالسلطنه، سردار منصور، ارباب جمشید و تومانیاس و . . . . البته بانک با این اعلان و مقدمات تاسیس نشد و در دوره سلطنت رضاشاه بانک ملی ایران یافت و بکار پرداخت.

۳۰- نمایندگان آذربایجان در دوره اول عبارت بودند از :

حاج میرزا ابراهیم آقا - سیدحسن تقی زاده - میرزا ابراهیم خان - شرف الدوله - میرزا احسنخان احسن الدوله - میرزا صادقخان مستشارالدوله - حاج میرزا فضلعلی آقا - میرهاشم تبریزی - حاج محمد آقا حریری - حاج میرزا آقا فرش فروش تبریزی - هدایت الله میرزا - میرزا آقا صفهانی ( اعتمادالملک آقا خان اعتمادی) و حاج میرزاجحی امام جمعه (خوئی) .

۳۱- میرزا احمدخان مشیرالسلطنه فرزند محمد بسال ۱۲۵۹ هجری قمری (۱۳۲۲ شمسی) در آمل متولد شده است. مشیرالسلطنه ابتدا مشیرنظام لقب داشت و در نظام آذربایجان بخدمت اشتغال داشت سپس به فرمانداری و نیابت ایالت آذربایجان و حکومت گیلان و طوالش رسید و بعد وزارت خزانه داری، وزارت داخله و ریاست دارالشورای سلطنتی باو محول گردید و در ۲۹ رجب ۱۳۲۵ بعد از قتل اتابک به نخست وزیر رسید و بار دیگر نیز در ۱۲ جمادی الثانی سال ۱۳۲۶ همین سمت را یافت. مشیرالسلطنه در ۸ ربیع الاول سال ۱۳۳۷ ق آذرماه (۱۲۹۷ شمسی) در گذشت.

۳۲- طرح قانون اساسی ایران در ۱۴ ذی العقده سال ۱۳۲۴ هجری قمری به تایید مجلس اول رسید و متمم قانون اساسی در تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ در دوره سلطنت محمدعلی- شاه مورد تصویب قرار گرفت . .

۳۳- مرتضی قلیخان صنیع الدوله فرزند علی قلیخان مخبرالدوله در نهم صفر ۱۲۷۳ در تهران چشم بجهان گشوده است. وی پس از تعلیم دروس قدیم و جدید در دارالفنون به آلمان رفت و در رشته معدن شناسی تحصیل کرد ( ۱۲۹۳ ق ) و در سال ۱۳۰۸ ق به تهران باز گشت. در ۱۳۱۲ اولین کارخانه ریسمان ریسی را در تهران دایر کرد کرد و در دوره اول

بنمایندگی مجلس برگزیده شد و به ریاست مجلس رسید و بعدا سمت وزارت فوائد عامه و وزارت دارائی و معارف را یافت و روز ۴ صفر ۱۳۲۹ قمری در برابر خانهاش در تهران بدست دونفر مهاجر روسی به قتل رسید .

۳۴- کابینه میرزانصرالله خان مشیرالدوله در جلسه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۴ هجری قمری به مجلس معرفی شد و اعضای آن بدین قرار بودند: مشیرالدوله صدراعظم، میرزااحمدخان مشیرالسلطنه وزیر عدلیه، میرزاابوالقاسم خان ناصرالملک همدانی وزیر مالیه، میرزا محمد علی خان علاءالسلطنه وزیر امور خارجه، میرزا سلطانتعلی خان وزیر افخم و وزیر داخله، میرزا محمودخان علاءالملک وزیر علوم، ابوالحسن خان فخرالملک وزیر تجارت، دبیر-الدوله وزیر لشکر، میرزا نظام الدین خان کاشی ( مهندس الممالک ) وزیر معادن، طرق و شوارع .

۳۵- اعضای کابینه اتابک در سلطنت محمدعلیشاه بدین شرح بوده اند:

علاءالملک وزیر عدلیه، علاءالسلطنه وزیر خارجه، میرزا علی اصغر خان اتابک - صدراعظم و وزیر داخله، ناصرالملک وزیر مالیه، مستوفی الممالک وزیر جنگ، مهدیقلی خان هدایت (مخبرالسلطنه) وزیر علوم، مهندس الممالک وزیر فوائد عامه، میرزا مهدی-خان کاشی (وزیر همایون) وزیر تجارت .  
 اتابک کابینه خود را در تاریخ ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵ به مجلس معرفی کرد .

۳۶- ناصرالملک در کابینه اول مشیرالدوله به وزارت مالیه برگزیده شد و این سمت را در کابینه های وزیر افخم و اتابک نیز داشت و در اولین کابینه خود نیز همین مقام را دارا بود .

۳۷- اولین کابینه میرزا احمدخان مشیرالسلطنه در روز یکشنبه هفتم جمادی الاول سال ۱۳۲۶ ( ۱۷ خرداد ۱۲۸۷ شمسی ) به شرح زیر به مجلس معرفی شد :  
 محتشم السلطنه وزیر عدلیه ، علاء السلطنه وزیر خارجه ، مشیرالسلطنه رئیس الوزراء و وزیر داخله ، صنیع الدوله وزیر مالیه ، مستوفی الممالک وزیر جنگ ، میرزا حسنخان مشیرالدوله وزیر علوم ، موتمن الملک وزیر فوائد عامه و تجارت ، مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف .

۳۸- تعداد انجمنهای محلی که از طرف گروههای مختلف در اوآن مشروطیت تشکیل گردید بسیار زیاد است و ذیلا " تعدادی از آنها را نقل می کنیم :

انجمن اتحادیه یا استیفاء - انجمن جنوبی ایران - انجمن اتحادیه صرافان - انجمن خراسانیان - انجمن خیاطها - انجمن اتحادیه ارامنه شعبه ایران - انجمن اتحادیه اصناف

انجمن سادات دروازه قزوین - انجمن روزنامه مجلس - انجمن مدیران جراید - انجمن سادات شهرنو - انجمن مودت - انجمن محلی بازار - انجمن مدرسه فلاحیت - انجمن مدرسه اقدسیه ، انجمن مدرسه دارالفنون - انجمن خیریه محمدیه - انجمن و اتحادیه غیرت - انجمن فاطمیه - انجمن برادران سرچشمه - انجمن برادران حسن آباد - انجمن اتحادیه مساوات - انجمن اتحادیه آذربایجان - انجمن مرکزی برادران - انجمن اتحادیه طلاب - انجمن حسینی - انجمن اتحادیه تجریش - انجمن اتحادیه کاشانیان و ...

۳۹- صحیح است چه مرحوم ناصرالملک در زمان نیابت سلطنت سیستم دو حزبی را تقویت میکرد. یک طرف اعتدالیون بودند بریاست مرحوم میرزا سید محمد صادق طباطبائی در طرف مقابل حزب دموکرات بودند با مرحوم شاهزاده سلیمان میرزا پسر محسن میرزای کفیل الدوله و در واقع دست راستی‌ها حزب اعتدالی را تشکیل دادند و دست چپی‌ها حزب دموکر را که تقی زاده هم جزء دموکراتها بود . ( سیدجلال الدین تهرانی )

۴۰ - مقصود غلامرضاخان آصف الدوله شاهسون است که قبلاً لقب شهاب الملکسی داشت و بعداً "آصف الدوله شد و والی خراسان بود که موضوع فروش دخترهای قوچانسی پیش آمد و معزول گردید . منزل و باغ آصف الدوله در خیابان ری فعلی بود که خانه‌های متعدد ساخته شده است و قنات معروف شهاب الملکی از مستحدثات او است که حالا از بین رفته و سابقاً" دائر بود . ( سیدجلال الدین تهرانی )

۴۱ - مقصود حاج سعیدالسلطنه دیبا برادر حاج ناصرالسلطنه فرزندان میرزا محمد رفیع طباطبائی نظام العلماء تبریزی است که از درباریان بود . ( سیدجلال الدین تهرانی )

۴۲ - این ارشدالدوله همانست که بعد از فرار محمدعلیشان و زمان آمدن او به استرآباد بحمایت وی برخواسته بود و جمعیتی تهیه کرد و در زد و خورد گرفتار و گشته شد که نعش او را آوردند و در میدان توپخانه برای نمایش گذاردند . ( سیدجلال الدین تهرانی )

۴۳ - مقصود از علاءالدوله احمدخان قاجار دولو برادر احتشام السلطنه است که حاکم تهران بود و جنجال بازار را فراهم آورد . ترور شد و در حضرت عبدالعظیم در مقبره خانوادگی مدفون گردید . ( سید جلال الدین تهرانی )

۴۴ - مقصود اقبال الدوله ففاری کاشانی پسر هاشمخان امین الملک امین الدوله و برادر غلامحسین خان صاحب اختیار وزیر مخصوص است که از متنفذین و حاکم اصفهان هم شد ( سید جلال الدین تهرانی )

۴۵ - محمد علیشاه در تاریخ ۴ جمادی الاول ۱۳۳۶ به باغشاه رفت و در تدارک تعطیل

مجلس برآمد . روز سه شنبه ۲۳ همین ماه مجلس به توپ بسته شد و کلاد یوار شمالی مجلس را شکافتند و به پارک امین الدوله رفتند . سربازان سیلاخوری پس از فتح مجلس به پارک رفتند و کلاد و پناهندگان را به باغشاه بردند . در این جمع افرادی چون سید محمد طباطبائی سید عبدالله بهبهانی ممتازالدوله ( رئیس مجلس ) ، مستشارالدوله ، امام جمعه خوئی ، ملک المتکلمین ، حاج میرزا ابراهیم وکیل تبریز ، شاهزاده یحیی میرزا ، شاهزاده ناصرالممالک ، سید یعقوب انوار ، قاضی ارداقی و چند نفر دیگر نیز بودند . چند نفر از دستگیر شدگان از جمله ملک المتکلمین و جهانگیر خان مدیر روزنامه صوراسرافیل بهلاکت رسیدند و بقیه به زندان و تبعید محکوم شدند .

۴۶ - سید عبدالله بهبهانی فرزند سید اسماعیل مجتهد بهبهانی بود و در سال ۱۲۶۲ قمری در نجف متولد شد تحصیلات مقدماتی و عالی را در آندیار به پایان برد و از محضر درس مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی استفاده کرد و در هنگامه مشروطیت جزوزغمای مشروطه و از پیشوایان طراز اول درآمد .

پس از موقع توپ بستن مجلس سید عبدالله و تنی چند از یارانش و مشروطه خواهان راستین به باغشاه برده شدند و به زندان و کندی و زنجیر محکوم گردیدند . سید عبدالهرا چندی پس از دستگیری به نزدیکی کرمانشاه تبعید کردند ( ۱۳۲۶ ق ) و پس از فتح تهران باین شهر بازگشت .

سید عبدالله در شب نهم رجب ۱۳۲۸ قمری در منزلش بقتل رسید و جنازه او را به نجف بردند و در جوار قبر پدرش بخاک سپردند .

۴۷ - سلطانعلی خان وزیر اقخم پسر محمد خان لسانالملک و نوه دختری ابراهیم خان - ظهیرالدوله است . وی از درباریان مظفردالدین شاه بود و ابتدا وزیر بقایا لقب داشت و سپس در سال ۱۳۱۹ قمری ملقب به وزیر اقخم شد . در ۶ صفر سال ۱۳۲۵ به نخست وزیری رسید و عمر دولتش یکماه و ۱۴ روز بود .

۴۸ - ستارخان فرزند حاج حسن بزارقره داغی بود . وی بسال ۱۲۸۴ هجری قمری در قره داغ مهاباد چشم بهجهان گشود . ستار در اوآن جوانی زندگی مرتب و مرفه‌ی نداشت و چندین بار بزندان افتاد و بعد فرصتی پیش آورد و به عتبات رفت و بخدمت میرزای شیرازی رسید و از کارهای ناشایسته و راهزنی‌هایی که کرده بود توبه کرد و پس از بازگشت بسه ایران در سلماش مباشرت املاک حاج محمد تقی صراف را بعهده گرفت و ضمناً بکار خرید و فروش و دلالتی اسب پرداخت .

وقتی ندای مشروطه برخاست به صف مشروطه خواهان پیوست و به عضویت " انجمن

حقیقت "تبریز در آمد و خدماتی به مشروطه در آذربایجان انجام داد و در تاریخ ۷ ربیع الاول ۱۳۲۸ به تهران آمد و مورد استقبال شایان قرار گرفت و در پارک اتابک مستقر گردید و بعلمت اختلافاتی که با سردار اسعد و سایر سران مشروطه در تهران پیدا کرد و در جنگی که در گرفت پایش تیر خورد و تا آخر عمر که روز سه شنبه ۲۸ ذیحجه ۱۳۳۲ بود می لنگید و تقریباً زمینگیر بود .

۴۹ - باقرخان از اهالی تبریز بود و در انقلابات این شهر با ستارخان همکاری میکرد و مدت یازده ماه ( از ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ تا ربیع الاول ۱۳۲۷ ) در برابر قوای دولتی جنگ میکرد .

وی ابتدا پیشه بنائی داشت و از داش‌های محله خیابان بود و چندی هم کدخدائی محله مزبور را داشت و مدتی نیز جزء فراشهای مظفرالدینشاه بوده است . در جنگ بین الملل اول ( ۱۳۳۴ قمری ) باقرخان با جمعی از یاران خود جزء مهاجرین درآمد و به جنگ با قوای بیگانه پرداخت .

باقرخان پس از فرار محمد علیشاه و استقرار مجدد مشروطیت با اتفاق ستارخان به تهران آمد و مورد استقبال فراوان قرار گرفت و بعلمت اختلافاتی که با سران مشروطیت پیش آمد در پارک اتابک با دولتیان به زدوخورد پرداختند و مقهور شدند . از این پس باقرخان و ستارخان خانه نشین بودند . باقرخان لقب سالار ملی داشت .

۵۰ - آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در سال ۱۲۵۵ در مشهد چشم بجهان گشوده است .

تجصیل مقدماتی را در مشهد و تهران به پایان برده و سپس به نجف رفته و از محضر علمای اعلی و بخصوص میرزا حسن شیرازی بهره گرفته است . آخوند پس از کمال تحصیلات خود به تدریس پرداخت و تربیت طلاب علوم دینی را بعهده گرفت . در حوادث مشروطیت نقش عمده داشت و از هیچ کوششی در راه استوار مشروطیت دریغ نکرده و درخت استبداد فروگذار نکرده تلگرافات و مکاتبات او که به محمد علیشاه مخابره کرده و او را از ضدیت با حکومت مشروطه بر حذر داشته است و مکاتباتی که با سران و آزادیخواهان داشته از اسناد معتبر تاریخ مشروطیت است . آخوند در سال ۱۳۲۹ ( ذیحجه ) در نجف درگذشت و در همانجا خاک سپرده شد .

از تالیفات مهم او کتاب کفایه الاصول است که نسخه‌ای از آن بخشی به خط خود اوست در کتابخانه مجلس شورای ملی نگاهداری می شود خاندان آخوند لقب کفائی را برای خود برگزیده اند

۵۱ - آخوند ملا عبدالله مازندارانی از مجتهدان بنام عصراخیر و از پیشوایان مبارز صدر مشروطیت است . وی با آخوند ملا محمد کاظم و چند تن دیگر از علمای طراز اول رهبری نهضت را در نجف بعهده داشت و از هیچ کوششی در این راه دریغ نورزیدند . وی در سال ۱۳۳۰ هجری قمری در نجف درگذشت جنازه اش در همانجا خاک سپرده شد .

- ۵۲ - نجف قلیخان بختیاری دومین فرزند حسینقلی خان ایلخانی لسال ۱۲۷۰ ق در چهار محال متولد شده است .
- وی در سلطنت مظفردالدینشاه ایلخانی بختیاری شد و مصمص السلطنه لقب گرفت .
- در سال ۱۳۲۶ پس از فتح اصفهان حاکم این شهر شد و در کابینه سپهدار وزیر جنگ و بعد خود در ۲۹ رجب سال ۱۳۲۹ مامور تشکیل دولت گردید . و این سمت را در سال ۱۳۳۶ نیز بدست آورد لیکن بعلت مخالفت با احمد شاه از کار کناره گرفت مصمص السلطنه جمعاً شش بار تشکیل دولت داد . اولین بار در ۲۹ رجب ۳۲۹ و آخرین بار در ۱۸ رجب ۱۳۳۶ مصمص السلطنه در سال ۱۳۰۹ شمسی در اصفهان درگذشت و جسدش در تخت فولاد اصفهان بخاک سپرده شد .
- ۵۳ - کابینه سعدالدوله چندان دوامی نکرد و از ۱۱ تا ۱۷ ربیع الثانی سال ۱۳۲۵ اداره امور را بعهده داشت و وزرای او باین شرح بودند :
- میرزا جوادخان سعدالدوله رئیس الوزرا و وزیر خارجه ، میرزا حسنخان محتشم السلطنه وزیر عدلیه ، عبدالحسین میرزا فرمانفرما وزیر داخله ، مستوفی الممالک وزیر جنگ ، مؤتمن الملک وزیر علوم ، مهندس الممالک وزیر فواید
- مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف .
- ۵۴ - حاج علی قلی خان سردار اسعد فرزند حسینقلی خان ایلخانی بختیاری است . چند سال بعد از آنکه پدرش بدست ظل السلطان کشته شد به تهران آمد و در دستگاه ناصرالدینشاه درجه سرتیپی یافت و جزء سواره دیوانی در آمد .
- در سال ۱۳۲۱ قمری به اروپا رفت و پس از آنکه مجلس توسط محمد علی شاه به توپ بسته شد به ایران آمد و با تلاش و کوشش فراوان و با کمک سواران بختیاری و سایرین تهران را فتح کرد و حکومت مشروطه را دوباره برقرار نمود و در این راه مجاهدتها کرد و نام خود را در تاریخ مشروطیت مخلد ساخت . وی پس از خلع محمد علیشاه سمت وزارت کشور و جنگ را یافت و به نمایندگی مجلس هم برگزیده شد .
- تولد سردار اسعد در سال ۱۲۷۴ و درگذشت او در نیمه دوم محرم سال ۱۳۳۶ هجری قمری اتفاق افتاد . جنازه او را در تخت فولاد در تکه خانوادگی بخاک سپردند .
- ۵۵ - بهرم از آرامنه ایران بود که در رشت و انزلی به کار و کسب اشتغال داشت و چون عضو حزب داشناکسیون بود لذا مطالعات فراوان در عقاید و مسلکهای انقلابی و اجتماعی داشت . وی دارای عقل و شجاعت زیاد بود و گروهی از آرامنه مستعد و آزادیخواه را بدور خود جمع نمود و با مشروطه طلبان ایران همکاری را شروع کرد و خدمات شایانی نمود . بهرم